

صبح یکشنبه، دوم مهرماه ۱۳۹۶، آژیر ایستگاه شماره هشت آتش نشانی در طبرسی شمالی به صدا درآمد. گزارش‌های مردمی به مرکز ۱۲۵ حاکی از این بود که دختری جوان در پل «امام حسین (ع)» قصد خودکشی دارد. روایت علی قویدل از روز حادثه را در ادامه می‌خوانید:

۱ وقتی سوار خودروها شدیم و به سمت پل «امام حسین (ع)» حرکت کردیم، اطلاعات تکمیلی را در مسیر به ما دادند و گفتند که خانمی جوان روی لبه پل ایستاده و می‌خواهد خودش را پایین بیندازد. به محل حادثه که رسیدیم برای اینکه آن خانم تحریک یا هول نشود، طبق پروتکل خودمان آژیر را خاموش کردیم و با همکاری راهور نخستین کاری که انجام دادیم این بود که دو طرف پل را بستیم تا هیچ خودرویی روی پل نیاید؛ حتی خودرو و نیروهای پلیس را هم از محل خارج کردیم، چون دختر به آن هم حساس شده بود و مدام فریاد می‌زد که این‌ها از اینجا بروند.

۲ روی پل خلوت شد، من و همکارم علیرضا محمدی جلورفتیم تا ببینیم قضیه از چه قرار است. علیرضا پشت میله‌های پیاده‌رو ایستاد و من وارد پیاده‌رو شدم. دختر ابتدا کمی حساس شد و گفت که دورتر بروم. من هم که نمی‌خواستم تحریکش کنم از او فاصله گرفتم. وقتی که شروع به صحبت کردیم، متوجه شدیم که یک دختر ۱۴ ساله است و پسری به خواستگاری‌اش آمده. از آن جایی که خودش هنوز سن‌وسالی ندارد و آن آقا پسر هم گویا شرایطش مناسب نیست، خانواده مخالفت کرده‌اند. او هم صبح از خانه‌شان، که در الهیه است، بیرون زده تا خودکشی کند.

۳ صحبت‌های من و علیرضا فایده‌ای نداشت. با هر ترفندی که بود شماره مادرش را گرفتیم تا با او تماس بگیریم. وقتی تعریف کردیم که در چه حالی هستیم و دخترش می‌خواهد چه کار کند، باور نمی‌کرد. با خونسردی تمام می‌گفت که بایک‌اژانس بفرستید بیاید خانه؛ من پولش را می‌دهم. مادر و دختر تلفنی مشغول صحبت شدند. دختر هم مدام می‌گفت که من اگر از اینجا هم پایین بیایم، پایم را در خانه نمی‌گذارم.

۴ مشخص بود که صحبت تلفنی مادر با دختر هم او را از کارش منصرف نخواهد کرد. از طرفی در صدمت‌تری ترافیک عجیب و غریبی به وجود آمده بود. داشتیم کم‌کم به این نتیجه می‌رسیدیم که مادرش و احتمالاً آن آقا پسر را که به خواستگاری‌اش آمده است به صحنه بیاوریم تا غائله هر چه زودتر تمام شود. در شرایطی که دختر داشت با تلفن صحبت می‌کرد، زیر چشمی هم مانده‌ای می‌کرد که دارم چه کار می‌کنم. من هم دائم در پیاده‌روی پل راه می‌رفتم.

۵ کارگره خورده بود و عملیات طولانی شده بود. معمولاً در این اوضاع کسی که این‌طور روی لبه پل ایستاده است، دچار افت فشار خون و سرگیجه می‌شود و هر لحظه امکان افتادنش وجود دارد. درست است که ماتشک نجات انداخته بودیم، اما اگر روی آن هم می‌افتاد باز آسیب می‌دید. باید در لحظه تصمیم می‌گرفتم که می‌خواهم چه کار کنم. وقتی که داشت گوشی تلفن همراه را به علیرضا می‌داد، حواسش کاملاً از من پرت شده بود، به اونزدیک شدم و لباسش را گرفتم و از روی زمین بلندش کردم. چون سبک‌وزن بود خیلی راحت بلند شد و همین که از لبه پل کنده شد، با دست دیگرم گرفتمش و دختر را از پرتگاه روی پیاده‌رو انداختم. الان هم فکر کنم که در بهزیستی باشد.

۶ این اتفاق خیلی حالم را بد کرده بود و استرس مرا هم کمی بالا برده بود. این دختر جای بچه من حساب می‌شد. وقتی هم که مادرش آن‌طور با خونسردی بر خورد کرد، حالم بیشتر گرفته شد. آن دختر در آن ساعت باید در مدرسه می‌بود، باید به جای اینکه درگیر چنین مسائلی شود، همه فکر و ذکرش درسش باشد و بس.

## گام به گام با حادثه خودکشی از زبان شاهد عینی

در محلی که فرد حضور دارد خودداری کنید. اگر در آن لحظه کسی حضور دارد که دارای قدرت بیان خوبی است و می‌تواند اعتماد طرف را به خودش جلب کند، با نهایت آرامش و بدون نزدیک شدن به کسی که قصد خودکشی دارد با او صحبت کنید و ببینید که خواسته‌اش چیست و چرا می‌خواهد این کار را بکند. به هیچ عنوان در صحبت‌ها سعی نکنید که فرد را تحریک کنید. اگر آب خوردن همراهتان هست، به آن آقا یا خانم بدهید تا کمی آرام شود؛ حتی اگر سیگاری است، یک نخ سیگار به او بدهید تا بکشد؛ چنانکه خود من این کار را در مواجهه با فردی معتاد انجام داده‌ام. این اقدامات اولیه را باید صورت دهید تا کسی که می‌خواهد خودش را پرت کند، کمی آرام شود و گروه نجات آتش‌نشانی هم سر برسد.».

### تجمع بی‌مورد آزارمان می‌دهد

اصولاً ما ایرانی‌ها قرار نیست بگذاریم هنگام بروز حوادث یک آب‌خوش از گلوی آتش‌نشان‌ها پایین برود و همه فکر و ذکرشان روی حادثه‌ای که اتفاق افتاده، باشد. تجمعات بی‌مورد مردم همان‌مورد آزار دهنده‌ای است که قویدل دوباره روی آن دست می‌گذارد و بیان می‌کند: «هنگامی که کسی قصد خودکشی دارد، محیط باید خلوت باشد و مردم هیچ‌گونه تجمعی نداشته باشند، اما همیشه برعکس این قضیه رخ می‌دهد. مردم شروع به فیلم‌برداری می‌کنند و حتی گاهی فردی را که می‌خواهد خودش را بکشد، تحریک می‌کنند و فریاد می‌زنند که «این‌ها هر چه می‌گویند، الکی است؛ بپر پایین!»؛ بعد کسی که روی لبه پل و در شرایط نامتعادلی ایستاده است، می‌خواهد جواب او را بدهد که پایش لیز می‌خورد و به پایین می‌افتد؛ در حالی که اصلاً نمی‌خواسته خودش را پرت کند و فقط قصد داشته به خواسته‌اش برسد. آن شرایط برای ما خیلی سخت است و باید کاملاً روی کارمان متمرکز باشیم، چون هر لحظه ممکن است که فرد بر اثر افت فشار خون تعادلش را از دست بدهد یا دست و پایش شُر بخورد، ولی مردم متأسفانه همکاری نمی‌کنند. در همین مورد اخیر در آن شلوغی و ترافیک صدمت‌تری یک‌راننده با مأمور مادرگیر شده بود و می‌خواست هر طور شده از کنار تشک نجات عبور کند و به مسیرش ادامه دهد.».

اما باز هم پای شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی در نایمن شدن این مکان‌ها در میان است، تا آنجا که صدای آتش‌نشان با تجربه‌ای مثل قویدل را هم درمی‌آورد. او می‌گوید: «متأسفانه فضای مجازی در دامن زدن به این اتفاقات خیلی مؤثر است. وقتی اقدام به خودکشی یک نفر و مکانش، بیش از حد بزرگ می‌شود و خبر مدام دست‌به‌دست می‌چرخد، راه جلوی پای بقیه می‌گذارد؛ بعد می‌بینید که یک نفر مسیری طولانی را از آن سر شهر طی می‌کند و خودش را به پل «امام حسین (ع)» می‌رساند تا خودکشی کند.».

### از فشار اقتصادی تا مشکلات خانوادگی

شاید کسی بهتر از یک آتش‌نشان، که چندین بار با افرادی که قصد خودکشی داشته‌اند هم صحبت شده است و از کاری که می‌خواسته‌اند بکنند منصرفشان کرده، نتواند از علت این کار حرف بزند. وقتی در این باره از آتش‌نشان ایستگاه شماره هشت می‌پرسیم، این‌طور پاسخ می‌دهد: «بسیاری از کسانی که من با آن‌ها در چنین موردی برخورد داشته‌ام، در همین محله‌های دور و اطراف، مثل خواجهری و طبرسی شمالی و رسالت و... زندگی می‌کردند. کمتر پیش آمده که از جاهای دورتر به اینجا بیایند. علت خودکشی‌ها در مردان بیشتر از همه فشار اقتصادی است؛ آنجایی که زندگی به یک مرد فشار می‌آورد و از تأمین مایحتاج اولیه زندگی‌اش درمی‌ماند و دیگر راهی جز راحت کردن خودش نمی‌بیند. اعتیاد هم عاملی دیگر است، به‌ویژه زمانی که فرد تحت تأثیر مواد مخدر اصلاً در دنیای دیگری سیر می‌کند. خانم‌ها هم طبق مشاهداتی که من در این چند سال داشته‌ام، زمانی دست به خودکشی می‌زنند که با خانواده نمی‌گذارد یا پسر مورد علاقه‌شان ازدواج کنند، یا اینکه زندگی و مشکلات اقتصادی واقعاً عرصه را بر آن‌ها تنگ می‌کند و فکر می‌کنند که راه دیگری جز خودکشی نیست. گاهی هم مشکلات خانوادگی زمینه‌ساز بروز چنین اتفاقی می‌شود. مثل موردی که چند وقت پیش برای ما رخ داد. خانمی با شوهرش مشکل پیدا کرده بود و صبح می‌خواست از پل «میدان بارنوغان» خودش را به پایین بیندازد. خانواده او وساطت کردند و منصرف شد، ولی باز ساعاتی بعد، به دلیل وعده دروغ شوهرش، دوباره به پل فجر آمد و می‌خواست خودکشی کند که خدا را شکر ختم به خیر شد.».

### توصیه‌نامه جمع‌وجور برای مواجهه با حادثه خودکشی

حالا اگر یک‌روز با فردی برخورد کردیم که قصد داشت با پایین پریدن از پل خودکشی کند، تا رسیدن آتش‌نشان‌ها و گروه نجات چه کار می‌توانیم بکنیم که از بروز حادثه جلوگیری شود؟: «پیش از هر کاری از تجمع کردن

«امام حسین (ع)»

تصمیم می‌گیریم